

به بهانه سالروز تولد اولین زن فضانورد جهان، درباره برخی کارهای ماندگار زنان جهان

اولین‌هایی که تاریخ به آن‌ها مدیون است



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزانه روزنامه خراسان

شششنبه • ۱۵ اسفند ۱۳۹۶

۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۹ • ۶ مارس ۲۰۱۸

۹۹۷

تاریخ پر است از نقاط تیره و روشن، اختراعات و اکتشافات و پیشرفت‌ها و دستاوردها و جنگ‌ها و انتقام‌ها و ظلم‌ها؛ در تمام این بالا و پایین‌ها، زنان و مردان به یک اندازه سهم داشتند؛ آمار و ارقام دادن که کار ما نیست و اصولا بعید است کس دیگری هم بتواند سهم زنان و مردان را از دل اتفاقات تاریخی بیرون بکشد؛ اما کتاب‌ها و قصه‌ها و خاطره‌ها می‌گویند همان‌قدر که مردها جنگ‌افروزی کرده‌اند، زنانی هم گاهی عامل و تحریک‌کننده جنگ بوده‌اند؛ از آن طرف، همان‌اندازه که مردها با ابداعات و اختراعات و پژوهش‌هایشان، جهان را جای بهتری برای زندگی کرده‌اند، زنان هم در بهبود و پیشرفت زندگی بشر دخیل بوده‌اند. با این‌همه اگر قرار باشد چند نفر از آدم‌های تأثیرگذار تاریخ را نام ببریم، فهرست خیلی‌هایمان با اسم‌های مردانه پر می‌شود. پرونده امروز به‌مناسبت سالروز تولد «والنتینا ترشکوا»، اولین زن فضانورد جهان، شما را با برخی از زنان نامدار جهان آشنا خواهد کرد؛ زنانی که شاید اسمشان خیلی به گوشمان آشنا نباشد اما اگر نبودند، مسیر زندگی‌مان متفاوت از امروز بود. مثل همیشه این فهرست کامل نیست، شاید سلیقه‌ای باشد و از طرفی چون تلاش کردیم حرف‌های تازه‌ای بزنی‌م تا تا پرونده از نکته‌های جذاب خالی نباشد بسیاری از کارهای بزرگ زنان در طول تاریخ را نادیده گرفتیم.

مریم میرزاخانی

اولین زنی که برنده جایزه فیدلز شد

مریم همزمان با تمام شدن جنگ ایران و عراق، دوران ابتدایی را پشت سر می‌گذارد و در ادامه با شرکت در آزمون ورودی تیزهوشان، به مدرسه فرزاتگان راه می‌یابد و سال‌های راهنمایی و دبیرستان را در این مدرسه سپری می‌کند. سال اول دبیرستان، مریم و دوستش اروپا بهشتی که از پروفیسورهای ریاضی دانشگاه واشنگتن است، سوالات المپیاد ملی ریاضیات را پیدا می‌کنند. مریم تصمیم می‌گیرد حتما در آزمون بعدی شرکت کند. برای همین، همراه دوستش سراع مدیر مدرسه می‌رود و از او می‌خواهد مثل مدرسه تیزهوشان پسرانه، برایشان کلاس‌های حل مسئله برگزار کند. تا آن موقع هیچ دختری در تیم المپیاد ریاضی کشور حضور پیدا نکرده‌بود. به این ترتیب مریم، نخستین دختری می‌شود که به تیم المپیاد ریاضی ایران راه پیدا می‌کند؛ همچنین نخستین دختری که در المپیاد ریاضی ایران طلا می‌گیرد، نخستین دانش‌آموزی که دو سال مدال طلای المپیاد را از آن خود می‌کند و نخستین کسی که در آزمون المپیاد ریاضی جهانی نمره کامل می‌گیرد. بعد از این، مسیر زندگی مریم با ریاضی گره می‌خورد. او بعد از تمام کردن رشته ریاضی در دانشگاه شریف، برای ادامه تحصیل به هاروارد می‌رود. اسم این نابغه ریاضی ایرانی اولین بار وقتی دهان به دهان می‌شود که همه با تعجب از اهدای «مدال فیدلز» که به نوعی نوبل ریاضی محسوب می‌شود به یک بانوی جوان ایرانی خبر می‌دادند. اتفاقی که مریم میرزاخانی را رسانه‌ای کرد و توجه افکار عمومی به او جلب شد. مدال فیلز بالاترین جایزه در ریاضیات است و مریم میرزاخانی نخستین ایرانی و اولین زنی بود که از آغاز اهدای مدال فیلز و تاریخ ۷۸ ساله‌آن، موفق شده به آن دست پیدا کند. میرزاخانی در ۳۱سالگی در دانشگاه استنفورد آمریکا، از معتبرترین دانشگاه‌های جهان، به عالی‌ترین جایگاه دانشگاهی و مقام استادی رسید. او همچنین در سال ۲۰۰۵ به‌عنوان یکی از ۱۰ ذهن جوان برگزیده سال از سوی نشریه پاپیولاز ساینس» آمریکا انتخاب و از او به‌عنوان ذهن برتر رشته ریاضیات تجلیل شد.



هدی لامار

مخترع فناوری پایه وای‌فای

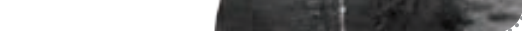
«هدوینگ اوا ماریا کیسلر»، هنرپیشه اتریشی-آمریکایی، بیشتر به‌خاطر انتخاب جسودانه‌اش قابل تحسین است؛ او در زمان فعالیت حرفه‌ای‌اش، بازیگر موقعی بود و به عنوان زیباترین زن کل اروپا شناخته می‌شد. با این‌همه از مسیر امن و راحتش کناره گرفت و ترجیح داد زیبایی و قدرتمندی ذهنی‌اش را به نمایش بگذارد. در آغاز جنگ جهانی دوم، لامار متوجه مشکل تداخل‌های رادیویی در تجهیزات نظامی شد. او که با فناوری‌های نظامی آشنا بود، تصمیم گرفت راه بهتری برای مخابره اطلاعات پیدا کند. لامار با همکاری دوست آهنگ‌سازش و الهام از سازوکاری مشابه با آن‌چه در پیانوها یافت می‌شود، راهی برای از کار انداختن سیستم پارازیت زیردریایی‌های آلمانی روی سیگنال‌های رادیویی متفقین پیدا کرد. پیشنهاد لامار این بود که به گیرنده و فرستنده امواج رادیویی، یک ردیف تصادفی از کانال‌های فرکانسی معرفی کنیم؛ بعد براساس همین ردیف، امواج به تناوب در فرکانس‌های معرفی‌شده ارسال شوند. از آن‌جا که امواج فقط در یک فرکانس صادر نمی‌شوند، امکان مزاحمت رادیویی و تداخل وجود نخواهدداشت. به این ترتیب کشتی‌های دریافت تصادفی ازدرها را بدون مزاحمت سیگنالی دشمن شلیک کنند. بر اساس این ایده، به ساخت فرستنده و گیرنده امواج رادیویی در کانال فرکانسی پرداختند؛ این اختراع در سال ۱۹۴۲ تحت عنوان «درا سیستم‌های ارتباطی» به ثبت رسید. این سیستم اما آن سال‌ها مورد استقبال قرارنگرفت؛ به دلیل آن‌که دولت کاربرد سیستم‌های بی‌سیم را نمی‌دانست. لامار ۲۰ سالی از زمان خود جلوتر بود؛ چراکه اختراع او دو دهه بعد مورد استفاده قرار گرفت و در توسعه ارتباطات نظامی بی‌سیم در موشک‌های هدایت‌شونده به کار گرفته‌شد. نسخه‌هایی از این فناوری طیف گسترده ارتباطی، بعدها برای توسعه GPS مورد استفاده قرار گرفت و از همین فناوری برای توسعه شبکه‌های وایرلس و شبکه‌های تلفن موبایل نیز بهره‌برداری شد. بدون این فناوری گوشه‌های موبایل نمی‌توانستند بدون تداخل فرکانسی با دکل‌های مخابراتی ارتباط برقرار کنند و باز بر همین پایه بود که ایجاد فناوری وای‌فای و بلوتوث ممکن شد.



فلورانس نایتینگل

بنیان‌گذار پرستاری نوین

«فلورانس نایتینگل» انگلیسی، پرستار، ریاضی‌دان، آماردان و بنیان‌گذار پرستاری مدرن بود. قرن هفدهم، دوره تاریک پرستاری بود؛ وضعیت شغلی پرستاران بسیار ناگوار بود و کسانی سراغ این شغل می‌رفتند که طبقه اجتماعی و تحصیلات بالایی نداشتند. در همین دوران بود که فلورانس مثل فرشته‌ای ظهور کرد؛ او با تأسیس مدرسه پرستاری و تربیت ۱۵ پرستار که هر کدامشان، از پیشگامان رشته پرستاری شدند، انقلابی در این حرفه به وجود آورد. فعالیت‌های او اما پیشتر و از زمان جنگ‌های کریمه آغاز شد؛ سال ۱۸۵۴، انگلیس، فرانسه و ترکیه به روسیه اعلان‌جنگ دادند. آن زمان تیترو روزنامه‌های لندن، اوضاع وخیم بیمارستان‌های نظامی انگلیس را توصیف می‌کرد؛ در گزارش‌ها آمده‌بود تنها ۲۰پرستار در جبهه‌ها فعالیت می‌کنند، بیمارستانی وجود ندارد و حتی باند برای پانسمان هم نیست. با انتشار این گزارش‌ها، فلورانس از وزیر جنگ انگلیس درخواست وسایل و امکانات بهداشتی کرد و با همراهی چند پرستار زن به یاری مجروحان شافت. وضعیت بهداشت در اردوگاه‌ها رفت‌انگیز بود؛ سربازان مجروح کف زمین رهاشده بودند و معدود پزشکان ناامیدانه می‌کوشیدند با وسایلی ابتدایی و آلوده آن‌ها را نجات دهند. فلورانس تصمیم گرفت اوضاع را دگرگون کند. آماری تهیه کرد که نشان می‌داد ماهیانه از هر هزار مجروح، ۶۰۰ نفر بر اثر بیماری‌های مسری و عفونی جان می‌دهند. اگر وضعیت به همین شکل ادامه می‌یافت و نیروهای جدید جایگزین نمی‌شدند، به‌زودی ارتش انگلیس از بین می‌رفت. آمار و ارقام فلورانس اما چندان نزد فرماندهان ارتش خریدار نداشت؛ او به‌خاطر زن بودنش جدی گرفته نمی‌شد، با انواع موانع و کارشکنی‌ها روبه‌رو بود و حتی پزشک ارتش حاضر نمی‌شد با او کار کند. با این‌همه فلورانس، میزبان مرگ‌ومیر سربازان فقط در مدت سه ماه حضور او کاهش عیبی پیدا کرد. جنگ که تمام شد، او مثل یک قهرمان مورد استقبال قرار گرفت و چندسال بعد، نخستین مدرسه عالی آموزش پرستاری را در بیمارستان لندن راه انداخت.



والنتینا ترشکوا

نخستین فضانورد زن

داستان فضایی خانم والنتینا جالب‌تر از آن است که صرفا به معرفی و اشاره‌ای بسنده کنیم؛ سال ۱۹۶۱ بود که بشر برای اولین‌بار توانست به فضا برود؛ «یوری گاگارین» روس هم اولین فضانورد، درواقع اولین فضانورد مردی بود که توانست از جو زمین خارج شود. بعد از آن، سرمهندس بخش راکت شوروی به این فکر افتاد که نخستین زن را هم به فضا بفرستد. ترشکوا همان سال نامه‌ای به مرکز فضایی روسیه نوشت و درخواست آموزش دوره فضانوردی کرد. او که دوره‌ای عضو باشگاه چترپازان جوان بود، مدتی بعد از طرف سازمان فضایی شوروی به عنوان نخستین فضانورد زن از میان بیش از ۴۰۰ داوطلب انتخاب شد. آموزش‌های اولیه شامل تئوری موشک، پرش با چتر، گذراندن زمان در جت آژوبیک، انجام تست‌های ایزولاسیون و آموزش خلبانی با جت جنگی انجام‌شد؛ در طول آموزش‌ها هر فضانورد موظف بود هفت روز در فضای بسته و در اتاقی سفیدرنگ بدون هیچ وسیله‌ای قرار بگیرد؛ ترشکوا در این شرایط آواز می‌خواند؛ سرانجام لحظه موعود فرا رسید؛ ترشکوا در ژوئن ۱۹۶۳ به عنوان نخستین زن فضانورد و ششمین فضانورد جهان با سفینه «وستوک-۶» به فضا رفت و بعد از تقریبا سه شبانه‌روز به زمین بازگشت. سفینه وستوک آن‌قدر کوچک بود که فضانورد به سختی می‌توانست در آن به حالت نیمه دراز کشیده‌قرار بگیرد. ترشکوا سه شبانه‌روز را در این حالت سپری کرد. او همچنین به خاطر می‌آورد که در سفینه‌اش، مشکلی رخ داده‌بود؛ بعدتعریف کرد: «این راز ما زن ۳۰ سال‌حفظ کردم. اشتباهی در برنامه‌ریزی رخ داده‌بود. به جای این که برنامه فرود من به زمین را برای سیستم‌تعریف کنند، برنامه دور شدن از زمین و رفتن به کهکشان را به سیستم داده‌بودند». والنتینا به‌موقع متوجه اشتباه شد و توانست به مرکز کنترل اطلاع دهد و با دریافت اطلاعات لازم، با موفقیت به زمین بازگشت. او در طول پرواز فضایی‌اش عکس‌هایی از افق زمین تهیه کرد که بعدها در شناسایی لایه‌های «ایروسول» یا ذرات معلق داخل اتمسفر مورد استفاده قرار گرفت. یکی از اهداف فرستادن ترشکوا به فضا، پژوهش درباره آثار مسافرت فضایی بر زنان و مردان و مقایسه آن‌ها بود؛ او در طول پرواز آزمایش‌های بسیاری روی خود انجام داد و داده‌های پزشکی ارزشمندی را درباره تأثیر بی‌وزنی در محیط‌فضا بر زنان گردآوری کرد. در آن زمان، هر پرواز فضایی در آمریکا یا روسیه، یک پله موفقیت محسوب می‌شد چون دانشمندان نمی‌دانستند ارگانیزم بدن انسان در فضا چطور کار می‌کند؛ در آن زمان هنوز پزشکان متخصص برای هماهنگ کردن بدن فضانوردان با شرایط فضا وجود نداشتند و همین مسئله کار را بسیار سخت و خطرناک می‌کرد. پرواز والنتینا هم تأثیر بدی بر او گذاشت و شاید به همین دلیل بود که پرواز دومین فضانورد زن، ۱۹سال بعد انجام شد.



رزا پارکس

یکی از نمادهای مبارزه با نژادپرستی

در مرور زندگی آدم‌های مهم و موثر، منصفا‌نه نیست اگر فقط به مبدع‌ها، مخترع‌ها و اولین‌های حوزه‌های مختلف بسنده کنیم. گاهی یک حرکت کوچک هم می‌تواند دایره تأثیرگذاری وسیعی داشته‌باشد، درست مثل کاری که «رُزا پارکس» کرد. ماجرا از این قرار بود؛ که در سال ۱۹۵۵ میلادی رُزا، کارگری آمریکایی آفریقایی‌تبار در ردیف اول اتوبوس می‌نشیند. داریم درباره زمانی صحبت می‌کنیم که قوانین تبعیض و نژادپرستانه نه تنها سیاهان را از همه حقوق انسانی‌شان محروم می‌کرد بلکه بر جزئی‌ترین ارکان زندگی آن‌ها هم سایه افکنده‌بود؛ زمانی که سیاهپوست‌ها حق نداشتند به منطقه سفیدها وارد شوند، آن‌ها در مدارس جداگانه‌ای درس می‌خواندند، در پارک از آب‌خوری‌های جداگانه استفاده می‌کردند و در اتوبوس حق سوار شدن به قسمت جلو را نداشتند. اگر هم در طول مسیر، سفیدپوستی وارد می‌شد و صندلی خالی نبود، سیاهپوستان موظف بودند صندلی‌شان را به او بدهند. در اتوبوسی که رزا سوار بود هم صندلی‌های سفیدپوستان تکمیل می‌شود و چهار سفیدپوست بدون صندلی می‌مانند. راننده از رزا می‌خواهد و او سه سیاهپوست دیگر صندلی خود را به سفیدها بدهند. آن سه نفر قبول می‌کنند ولی رزا از جایش تکان نمی‌خورد. راننده پلیس خبر می‌کند. رزا بازداشت می‌شود، به دادگاه می‌رود و ۴۰ دلار جریمه می‌شود. رزا اعتراض می‌کند و با سامان دهی افکار عمومی توجه همه را به قوانین نژادپرستانه جلب می‌کند. او و دیگر سیاهپوستان، اتوبوس‌های شهر را تحریم می‌کنند. تحریم‌ها ۳۸۱ روز ادامه می‌یابد و سیستم حمل‌ونقل عمومی فلج می‌شود. این اقدام اعتراض‌آمیز به‌ظاهر کم‌اهمیت، به تغییر قوانین نژادپرستانه در آمریکا می‌انجامد. بلندشدن رزا از روی صندلی اتوبوس، نقطه آغاز نمادینی برای جنبش حقوق مدنی سیاهان آمریکا و رزا پارکس، یکی از نمادهای مبارزه با نژادپرستی می‌شود.

منابع: روزنامه اطلاعات، پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان نظام پرستاری، وب‌سایت سخت‌افزار، جام‌جم آنلاین، دیجیاتو، فرارو، کجارو، دانش‌نامه تصویری زنان، وب‌سایت شبکه‌اقتاب

آملیا مری ارهارت

نخستین خلبان زن

«آملیا ارهارت» انگلیسی، نخستین خلبان زن دنیاست که در سرتاسر اقیانوس اطلس، پروازی انفرادی را تجربه کرد. آملیا، از همان دوران نوجوانی به چیزهایی متفاوت از همسن‌وسالان و همجنسانش علاقه نشان می‌داد؛ وقتی دبیرستانی بود دفترچه‌ای داشت پر از بریده روزنامه‌ها درباره‌زنان موفق. سال ۱۹۱۶ وارد کالج پنسیلوانیا شد. آملیا با شروع جنگ جهانی اول و در جریان همه‌گیری آنفلوآنزا، به عنوان دستیار پرستار داوطلب شد. او همچنین به عنوان مددکار اجتماعی به خانواده‌های مهاجر کمک می‌کرد و خط پوشاکی به نام خودش طراحی کرد. بعد از پایان جنگ نام آملیا در فهرست دانش‌آموزان دوره مقدماتی پزشکی در دانشگاه کمبلیا وارد شد. او گرچه جزو شاگردان ممتاز مدرسه بود تصمیم گرفت به کالیفرنیا پیش خانواده‌اش برگردد. روزی با پدرش در یک نشست هوایی شرکت کرد و حدود ۱۰ دقیقه بر فراز لس‌آنجلس پرواز کردند. در همان لحظه بود که آملیا فهمید پرواز کردن همان کاری است که باید انجام دهد. بنابراین دوره آموزش پرواز را گذراند، یک هواپیما به اسم قناری خرید و زمانی که تعداد معدودی از زنان با رانندگی خودرو و هواپیمایی داشتند، به یکی از نام‌آورترین هوانوردان جهان تبدیل شد. ارهارت بعدها گفت: «آن پرواز ثابت کرد مردان و زنان در کارهای مستلزم هوش، هماهنگی، سرعت، خونسردی و اراده بایکدیگر برابرند، او همچنین تجربه پروازش را در جمه‌ای خلاصه کرد: «پرواز کردن یعنی آزادی مطلق». آملیا این آزادی را تنها برای خود نمی‌خواست و بعد از آن، شعار «تساوی حقوق زنان روی زمین و در آسمان» به هدف اصلی‌اش بدل شد. کسانی که جسارت اولین بودن، دارند معمولاً می‌دانند مسیری متفاوت و دشوار پیش‌رو خواهندداشت. ارهارت هم با پذیرفتن چنین مسئله‌ای، به استقبال سرنوشت غم‌انگیزش رفت؛ او در سال ۱۹۳۷ تصمیم گرفت نخستین پرواز بلند بر فراز اقیانوس آرام را هم به نام خود ثبت کند؛ اما هواپیمایش چند ساعت بعد از پرواز از دیدرس رادار خارج و آملیا ارهارت ناپدید شد.

منابع: روزنامه اطلاعات، پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان نظام پرستاری، وب‌سایت سخت‌افزار، جام‌جم آنلاین، دیجیاتو، فرارو، کجارو، دانش‌نامه تصویری زنان، وب‌سایت شبکه‌اقتاب

جونکو تابی

نخستین زن فاتح اورست

اگرچه امروز اسامی زیادی به عنوان صعود کنندگان به قله اورست ثبت شده‌است ولی «جونکو تابی»، اولین زنی بود که در سال ۱۹۷۵ موفق به صعود به قله اورست شد. تابی ژاپنی، عضو یک گروه کوهنوردی زنانه بود و در ۳۵ سالگی توانست بلندترین قله جهان به ارتفاع ۸۸۴۰ را فتح و راه را برای بقیه زنان علاقه‌مند باز کند. کار برای تابی البته اصلا آسان نبود؛ پیش از او هرگز زنی موفق به انجام چنین کاری نشده‌بود، به‌علاوه تابی از لحاظ تأمین بودجه هم فشار زیادی متحمل می‌شد. خودش گفته، همیشه در حال صرفه‌جویی در مخارجش بوده، برای دستکشش از مواد بازیافتی استفاده می‌کرده و لباس‌های مورد نیازش را خودش می‌دوخته‌است. در جریان صعود هم تابی دچار حادثه‌ای شد که ممکن بود مسیر زندگی‌اش را به کلی عوض کند؛ بهمن به کمپ او حمله کرد و تابی بر پای مدتی زیر آن مدفون شد. دوستانش به دادش رسیدند و او را نجات دادند تا جونکو تابی بتواند نامش را در تاریخ ثبت کند. فلسفه زندگی تابی از زبان خودش این بوده‌است که بیشترین بهره‌را از زندگی ببرد. او برای محقق کردن چنین فلسفه‌ای و برای رسیدن به هدفش، مجبور بود با تصورات نادرستی که در جامعه ژاپن درباره زنان وجود داشت، مبارزه کند. تابی، مادر دو فرزند بود و همسر همراه و حمایتگری داشت و مبارزه‌اش بیشتر معطوف به باورهای جامعه‌اش بود. جونکو تابی همچنین اولین زنی بود که در سال ۱۹۹۹ هفت قله بلند دنیا را در هفت اقلیم فتح کرد و صعود به ۷۰ قله دیگر دنیا را هم در کارنامه خود دارد. تابی پیش‌رو و جسور در سال‌های آخر عمرش به سلطان مبتلا شد و بعد از مدتی مبارزه، بالاخره در ۷۷ سالگی تسلیم این بیماری شد.

منابع: روزنامه اطلاعات، پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان نظام پرستاری، وب‌سایت سخت‌افزار، جام‌جم آنلاین، دیجیاتو، فرارو، کجارو، دانش‌نامه تصویری زنان، وب‌سایت شبکه‌اقتاب